

دکتر سید جعفر شهیدی

دکتر سید جعفر شهیدی بعد از نوشتن حدود ۱۵ کتاب و تالیف حدود ۱۲۰ مقاله سترگ و در سن ۸۳ سالگی هنوز از کارهای بر زمین مانده اش می گوید.

مترجم نهج البلاغه و محقق بنام کشورمان در زمینه ی تاریخ اسلام، هنوز دلش در نجف جا مانده است: «آنجا سایه ی امیرالمومنین (ع) بود، حالا هم درست است دستمان کوتاه است، ولی متوسلیم».

سال ۱۳۲۰ برای تحصیل علوم دینی و فقه و اصول راهی نجف می شود، اما بعد از هشت سال، بیماری ناگزیر، او را به ایران بازمی گرداند. هر هفته باید خود را به پزشک نشان می داده، در نتیجه از رفتن به حوزه باز می ماند. برای گذران زندگی و به منظور ترجمه ی متون عربی، نزد دکتر سنجابی - وزیر فرهنگ وقت - می رود، اما به او اشتغال به تدریس پیشنهاد می شود. با ماهی ۱۵۰ تومان در دبیرستان ابومسلم مشغول می شود و بعد که به او می گویند با مدرک لیسانس حقوقش به ۳۰۰ تومان خواهد رسید، بدون شرکت در کلاس ها، لیسانس الهیاتش را با بهترین نمره ها می گیرد.

سپس علامه دهخدا از سید جعفر شهیدی دعوت به همکاری می کند و در نامه ای به دکتر آذر - وزیر فرهنگ وقت - می نویسد: "او اگر نه در نوع خود بی نظیر، ولی کم نظیر است". دهخدا در این نامه می خواهد که به جای ۲۲ ساعت، به او شش ساعت تدریس اختصاص دهند؛ تا بقیه وقتش را در لغت نامه ی دهخدا بگذارند. مدتی این گونه می گذرد، تا سال ۱۳۴۰ که با مدرک دکتری به دانشگاه منتقل می شود. تدریس در دانشگاه تا سال های ۴۵، ۴۶ ادامه پیدا می کند، اما بعد با ناامنی دانشگاه، دانشجویان خود را به لغت نامه می برد؛ که حالا پس از سال ها، هنوز هم دانشجویانش چهارشنبه ها به لغت نامه می روند تا در محضر استاد کسب فیض کنند.

استاد شهیدی هر چند کتابهایی چون شرح مثنوی، عرشیان، قیام حسین (ع)، زندگانی فاطمه زهرا (س)، زندگانی علی بن الحسین (ع)، شیرزن کربلا، امام حسین (ع) قیامی، ابوذر غفاری، گزینه ای از سخنان امیرالمومنین علی (ع)، زندگانی امام صادق (ع)، از دیروز تا امروز (مجموعه مقاله ها و سفرنامه ها) و ترجمه هایی چون براهین العجم، تاریخ الاسلام التحلیلی، علی بلسان علی، شوره الحسین (ع)، حیات فاطمه (س)، حیاه الامام الصادق جعفر بن محمد (ع) و حیات السیده فاطمه الزهرا (س) را در کارنامه ی خود دارد، هنوز اما با شوری خاص دلبسته ی نهج البلاغه است و بر فصاحت و بلاغت آن، یعنی کلمات رسا و همه کس فهمش و مطابقت آن با فهم شنونده ها، تاکید دارد.

او می‌گوید: بزرگان ادب عرب که شیعه هم نبوده‌اند و حتا میانه‌ی خوبی هم با امام (ع) نداشته‌اند، بلاغت خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصار نهج‌البلاغه را ستوده‌اند.

استاد به این موضوع اشاره می‌کند که این کتاب در خارج از ایران از سده‌ی سه و چهار معروف بوده؛ اما به دلیل محافظه‌کاری ایرانیان و راه باز نکردن تشیع در اینجا، از قرن هشتم مورد توجه قرار گرفته است.

سیدجعفر شهیدی می‌گوید: «اگر کسی بخواهد از یک زندگی درست و حسابی و خدایسند برخوردار شود، باید این کتاب و دستوراتش را بخواند، چون هم مصلحت فردی در آن رعایت شده و هم مصلحت اجتماعی».

او اوایل انقلاب پافشاری می‌کند تا به جای متون عربی کتابهای درسی بخش‌هایی از نهج‌البلاغه و اخلاقیات و اجتماعیات آن در کتاب‌ها قرار بگیرد؛ می‌گوید: زمان ما در مکتبخانه، نه ملای مکتب چیزی از نهج‌البلاغه می‌فهمید، نه دانش‌آموزان... فقط قرآن می‌خواندیم. اما از سال ۱۳۱۳ آیات منتخبی از قرآن و بخش‌هایی از نهج‌البلاغه در دانشگاه‌ها ارایه شد و کسانی چون مهندس معین‌فر، دکتر طاهری و آیت‌الله طالقانی که با نهج‌البلاغه آشنایی داشتند، در این زمینه فعالیت‌هایی کردند؛ منتها ما انتظارمان این بود که بعد از انقلاب مردم و به‌خصوص تحصیل‌کرده‌ها بیشتر با نهج‌البلاغه آشنا شوند، که البته این کار حکومت هم نیست.

شهیدی که همواره به تاریخ اسلام و زندگی ائمه اطهار (ع) توجه خاصی داشته است، درباره‌ی وضعیت پرداختن به تاریخ، به‌ویژه تاریخ اسلام در ایران می‌گوید: متأسفانه آن چیزی که کمتر به آن اهمیت داده‌اند، تاریخ است و علت این است که از ابتدا تاریخ را برای وقت‌گذرانی می‌خوانده‌اند.

وی تأکید می‌کند: وقتی در اروپا می‌خواهند تاریخ بنویسند، چند نفر به تاریخ یک قرن مشغول می‌شوند، ولی شرقی‌ها این‌گونه نیستند و تاریخ ما بیشتر شفاهی و نقلی است.

دکتر شهیدی با تأکید بر اینکه تحلیل تاریخی هنوز در کشور ما جا نیفتاده است، خاطرنشان می‌کند: اوایل انقلاب خواهش کردم گروهی برای تاریخ تشکیل شود که به نتیجه نرسید. حالا هم مورخان خوبی داریم، اما به تاریخ اسلام کمتر توجه می‌شود. سیدجعفر شهیدی درباره‌ی وضعیت فلسفه نیز معتقد است: فلسفه‌ی ما تا ابن رشد خوب پیش رفته، اما از قرن پنجم درجا زده است.

او می‌گوید: بزرگترین فیلسوف ما می‌خواهد با چند کتاب در اتاقتش تکلیف دنیا را روشن کند، این‌طور که نمی‌شود.

به اعتقاد شهیدی "آنچه برای مردم و کشور ما اهمیت دارد، این است که دانشجویان ما در هر رشته‌ای که هستند در زمینه‌ی علم، امروزشان بهتر از دیروزشان باشد" او می‌گوید: دانشجویان ما از لحاظ هوش و استعداد چیزی کم ندارند، اما نمی‌دانم چطور است که از ۱۴۰۰ سال پیش که من اطلاع دارم، به سمت کارهای عملی و تجربی نرفته‌ایم و برخلاف پژوهش علمی از لحاظ پژوهش تجربی عقبیم.

وی با بیان این مثال که ما همیشه در ورزش کشتی جلو هستیم، اما در فوتبال نه، می‌گوید: کار دسته‌جمعی نیازمند گذشت و آزادی عمل است که ما هنوز عادت نکرده‌ایم دسته‌جمعی جلو برویم.

به نظر شهیدی "ما عادت به پژوهش نداریم، آنچنان که عادت به دموکراسی نداریم و این چاله و کمبود را دانشجویان باید پر کنند".

استاد سیدجعفر شهیدی صبح خود را در لغت‌نامه‌ی دهخدا می‌گذارند و در کاری گروهی مشغول تنظیم فرهنگی است که از لحاظ واژه‌ها بسیار مفصل‌تر از لغت‌نامه است. بقیه‌ی روز را در منزل خود می‌گذارند؛ خانه‌ای سرشار از کتاب و قفسه‌هایی شامل فرهنگ‌ها، تفسیرها، لغت‌نامه‌ها، مثنوی و کتاب‌های مربوط به آن، نهج‌البلاغه، کتاب‌های مذهبی، کتاب‌های فقه و حدیث، کتاب‌هایی در اصطلاحات عرفانی و فلسفی و دیوان‌های شعر و...

و دست آخر رو به ما می‌گوید: سعی کنید امروزتان بهتر از دیروز باشد. از کاری که برای اجتماع می‌کنید انتظار پاداش نداشته باشید و تکیه‌تان بیشتر بر معنویات باشد.